

۲۸

شکوهت

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری
سال سوم، شماره بیست و هشتم، ماه جدی ۱۳۹۴

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری

فهرست

۱. آغاز سخن ۲. پیام رئیس بنیاد ۳. سخن مدیر مسئول بنیاد
۴. شش سال پر بار ۵. ولسوالی دولتیار ۶. احترام
۷. حرف دل ۸. انگیزش ۹. سلام کرن ۱۰. پروژه تاپی
۱۱. صدرالدین ربیعی ۱۲. صفحه کودک ۱۳. مدیریت

فرخنده باد میلاد با سعادت سرور کائنات حضرت محمد ص





تذکره

تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری
سال سوم شماره بیست و هشتم ماه جاری ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمدعابد حیدری
استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری

صفحه آرایی: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزہ غرب، شہر ہرات، گردہ پارک ترقی، سالون فانوس دریا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ کدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.
بدون از سر مقاله، نوشته ها و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریه شناسانه در این خصوص مسئولیتی ندارد.

آغاز سخن

زمان در گذراست و از خود ماندگارهای بجا میگذارد، اگرما توفقی داشته و تحرکی بخرج ندهیم چیزی را به نام ماندگارنداریم، یگانه چیزیکه که مارا به منزل مقصود میرساند همانا کار و تحرک است که برای هدف پاک و دریافت واقعیت های زمان تلاش ورزیم، این نکات به سبب آن گفته می شود که ما (بنیاد فرهنگی جهانداران غوری) سفرشش ساله ی مانرا بدون توقف، اما با حرکت شریفانه و برای مردم سرزمین مان، به آغاز گرفته بودیم، جهانیان اطلاع دارند که یک تمدن بزرگ و درخشان توسط حاکمان وقت افغانستان بورطه فراموشی سپرده شده بود.

این تمدن بزرگ که در آخرین قله های درخشان آن توسط چپاولگران چنگیزی به توده های خاک مبدل گردید اسناد، مدارک و داشته های آن حریق ویا در رودخانه ها شسته شد، هیچگاه از دل تاریخ نگاران و پژوهشگران تاریخ پاک نشده و نخواهد شد، امروزه ما تنها یکی از تاریخ های جهانرا با خود داریم که نه تنها در آن سفسطه سرایی و غمازی صورت نگرفته، بلکه حقایق را برای بازماندگان آن مدنیت درخشان بازگومی نماید.

بروفق همان تاریخ و همان سابقه درخشان تاریخی مصمم شدیم ارگانی را تشکیل دهیم که بتواند رد پای ابرمردانی را دستیاب نماید که روزی از قاره ی آسیارا مدیریت می نمودند، با عدالت و معارف پسندی از باره های آسمان خراش آن ندای وحدانیت خدارا بگوش خلایق آن میرسانیدند.

تحصیل کردگان، استادان و دانشمندان غوری و غوری تبار، دوستان فرهنگی و تاریخ پژوه دست بهم داده اساس بنیاد فرهنگی جهانداران غوری را زیبا گذاشته و در مدت شش سال در حالکه از نظر تاریخی بخصوص در حال و هوای کشورماندک است فعالیت های چشمگیری را انجام داده که برای شخص بیننده در بعضی موارد بیهمتا می باشد اما اعضای بنیاد آنرا هنوز اندک می شمارد زیرا بعضی نا رسایی های وجود دارد که سبب کندی روند کاری این بنیاد میگردد.

وهم نا مهربانی های بعضی اشخاص که هویت خویش را فراموش نموده و نمیخواهند در پروسه معرفی تاریخ خویش دست بکار شوند نیز سبب کندی پروسه کاری و فعالیت های بنیاد گردیده است، ولی ما هرگز توقف ننموده و این روند را تا مادامی ادامه خواهیم داد که بار دیگر دولت مردان و سیاست گذاران ما معترف به حقیقت آن مدنیت تاریخی و فرهنگی خراسان بزرگ (امپراطوری بزرگ اسلامی غوری ها) گردند.

جای دارد در همین مدت از تمام قلم بدستان، تاریخ نویسان، ادب دوستان، شاعران، جوانان، زنان و همه اندیشمندانیکه در راه اعتلای بنیاد مارا همراهی نموده اند صمیمانه ابراز سپاس و قدردانی نموده، از خداوند متعال برای همه سعادت و سربلندی استدعا نمائیم.



پیام رئیس بنیاد فرهنگه جهانداران غوری بمناسبت ششمین سالروز ایجاد بنیاد

هموطنان گرامی و غوری های عزتمند

شش سال از عمر بنیاد فرهنگه جهانداران غوری، خانه مشترک شما میگذرد، اوضاع ناهنجار کشور در این مدت هدفهای شریفانه بنیاد را به کنده و چالش های اندکی مواجه نمود اما خوشبختانه با همکاری های بیدریغ شما فرهنگیان و ادب دوستان هیچگونه تعللی در کار های روزانه بنیاد وارد نساخته و به روال عادی کار های بنیاد جریان دارد.

ده ها عنوان کتب تاریخی، علمی و ادبی از آدرس این خانه مشترک غوری ها بچاپ رسید و حرف حرف غوری های گرامی ما از طریق نامه فرهنگه شان «شناسنامه» بصورت ماهوار نشر و در بسا اقصای کشور به علاقمندی تمام مورد مطالعه ی مردم ما قرار داده می شود.

ارتباطات ما کنون در سطح بالای از آنچه توقع میرفت برخوردار است، ما با تمام بزرگان ادب دوستان و تاریخ پژوهان روابط دوستانه داشته و با کشور های هم مرکز که روزگاری امپراطوران با هیبت غوری در سرزمین شان حکومت داشتند برقرار و روزنه های زیاد برای تحقیق عمیق دوران حکمرانایی غوری ها و بنا های تاریخی ایشان گشوده شده است.

برای حفظ و نگهداشت آثار پربهای تاریخی غوری ها با دولت جمهوری اسلامی افغانستان تماس های مستمر جریان داشته و برای حفظ و نگهداری منارجام دولت تصامیم جدی و قابل ملاحظه ی گرفته است و درزود ترین فرصت این مأمول برآورده خواهد شد.

در جریان این مدت بنیاد برای تغییر نام چچچران به شهر تاریخی فیروز کوه همگام و همراه هموطنان گرامی ما بوده، چندین جاده عمومی کابل مزین بنام بزرگان غوری گردیده است، تبدیل غوراز ولایت درجه سه به واحد درجه دوم کشور کار بزرگی در سطح کشور بوده و ما همواره تلاش داریم تا اقدامات معنوی را برای اعمار و پیشرفت غورباستان داشته و دراعتلای آن جدیت کامل داریم.

باز هم درهر راستا و هر موقعیتی نیاز داریم هموطنان گرامی ما همکاری های خوب خود را از بنیاد فرهنگه جهانداران غوری دریغ نداشته و برای توضیح هرچه بیشتر تاریخ اجداد نامدار تان مارا یاری و همکاری نمائید.

فرخنده باد ششمین سال تأسیس بنیاد فرهنگه جهانداران غوری



سخن مدیر مسئول شنسبانیه بخاطر ششمین سال ایجاد بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

وایران نیز شرف چاپ یافته و به لسانهای مختلف، درجوامع مختلف مورد مطالعه قرار میگیرد، جغرافیای تاریخی غور به ایزاد و اصلاحات دوباره، با تیراژ وسیع نشر و بخدمت همه گان قرار گرفت و بهمین منوال ده ها کتاب دیگر.... و کنون هم چندین اثر بارزش چون تاریخ اعلیحضرت شیر شاه سوری، یکی از دلاور شاهان غوری زیر چاپ قرار دارد.

این نامه ی فرهنگی که کنون شما خواننده ی آنید (شنسبانیه) یکی دیگر از کارهای فرهنگی است که بصورت ماهوار، با محتوای عالی تاریخی، ادبی، عرفانی و هنری دستهای هر خواننده را لمس و نوازش میدهد، علاقمندان شنسبانیه با ارادت و سخاوتمندی در انکشاف و گران سنگی محتوای آن می کوشند و هیچگونه تعللی در نشر آن بوجود نیامده است و امید داریم بهمین منوال بتوانیم مردم مارا از رویداد های تاریخی صدها سال قبل از امروز وسیله ی این نشریه باخبر سازیم.

دیگر نکات که سبب دلگرمی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری گردیده، تحقیق مقدماتی پرسونل بنیاد از سرزمین اعجائب هند است، که بیشترین آبادی ها و اثرات تاریخی غوری هارا در دل خود به زیباترین شکل آن حفظ نموده است، این ارتباطات بنیاد سبب شده که با مقامات سیاسی و فرهنگی هند تماسهای دوستانه تحکیم و روی هدفهای عالی که درج اساننامه و استراتیژی پلان بنیاد است، تعمق بیشتر نموده درآینده های نزدیک تفحص ژرف در عرصه ی بازخوانی تاریخ غوری هارا در آن سرزمین داشته باشیم.

خیلی هاجای مسرت خواهد بود که دولت افغانستان در ووال کنونی جایگاه غوری هارا در تاریخ جهان درک نموده، بسا جاده های شهر های افغانستان بخصوص شهر کابل به نام نامی امپراطوران بزرگ غوری زینت نام می یابد و بنیاد مصمم است، در تزئین و بازسازی بعضی اماکن که بنام غوری های بافتخار است اقدامات لازم را رویدست گیرد.

مادر حالیکه ششمین سالروز ایجاد بنیاد فرهنگی جهانداران غوری رابه کافه هموطنان گرمی ماتبریک و تهنیت عرض می کنیم از همکاری های بیبدیل و همراهی های دوستانه ی شان در راستا های گوناگون به قدر یادآوری نموده، تداوم این ارتباطات صمیمانه را بیشتر از پیش در بلند بردن دانش هموطنان ما انتظار داریم.

تاریخ ۳۰ جدی ۱۳۸۸ تحول درونی عده از دانشمندان، فرهنگیان و تاریخ پژوهان را واداشت تا نگرش هر چند پراکنده، اما مهمی رادرباز نمودن صفحه ی از صفحات درخشان تاریخ خراسان بزرگ (غوریها) و جهانداران رشید منطقه را بگشایند، روی این مأمول خیلی مشکل و ناممکن به نظر می آمد و دشواری به آنجا بود که احیای هویت گم کرده شده؛ کار بود فرسایشی و از توان بعضی ها به دور اما برای احیای این هویت تاریخی خوشبختانه با تلاش این حلقه کوچک هم نظران هسته ی تحت نام «بنیاد فرهنگی جهانداران غوری» اساس گذاشته شد.

آنچه این حلقه ی کوچک را قوت قلب بخشید، همانا پشت کار منش مردمی، همآهنگی فرهنگی و روابط حسنه با همگان بود هیچ کس در این راستا نه ایستاد و توقف را در حالیکه حرکت بطی و بادید همه جانبه انجام می شد، مردود دانستند، سری به تاریخ و نبشته های هشتصد سال و بیشتر از آن زده، تراوش های عینی رابه جمع آوری و پردازش گرفتند و هاله های ابهام و میغ های جادویی و افسونهای طبقاتی را درهم نوردید.

علاقمندان، دانشمندان، اکادمیسین ها، علما، شاعران، ادب دوستان و همراهان فرهنگی توانیست در یک مدت کوتاه، حلقه ی فرهنگی جهانداران غوری رابه گردنه ها و قلل شامخ ترقی و تعالی رهنمون سازند، همواره دوستان و علاقمندان این تشکل به ظاهر کوچک اما متین و استوار قوت قلبی بود برای حرکت بهتر و مؤقرانه ی ما.

در همین مدت کم حدود (۵۰) اثر تاریخی، فرهنگی، ادبی و عرفانی از روزنه ی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری شرف چاپ و نشر یافت، آثار دوستانیکه سالها غبار دست ناری مادی آنها را پوشانیده بود، با زیبا ترین وجه آن و هزاران جلد در خدمت هموطنان ما قرار داده شد، روحیه پژوهش و تحقیقات علمی، ادبی و تاریخی بسط و گسترش یافت، جهش و خیزش های بنیادی برای احیای تاریخ ارجمند غوری ها که زمانی نیمی از قاره ی آسیا را با خردمندی و شجاعت رهبری میکردند، آغازیدن گرفت و تاریخ واقعی غوریها این اثر ناب (طبقات ناصری) نه تنها از زیر نظر دانشمندان سرزمین مردخیز غور، بلکه از زیر زره بین اکادمیسین های کشور چاپ دوباره یافت و به اکثریت خانه های مردم افغانستان مورد مذاقه قرار داده شد.

جای افتخار و مبالات است که این تاریخ وزین در سرزمین مصر

شش سال پر بار



سید محمد رفیق نادم

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، شش ساله شد، وجود این نهاد فرهنگی در شرایط کنونی امر لازمی پنداشته می شد، انگیزه ایجاد آن: عده ای از فرهنگیان در رأس آقای دیپلوم انجینیر عبدالرحمان غوری و آقای نثار احمد حبیبی غوری برای روشن نمایی عصر طلایی امپراطوری غوری ها سیمینار بین المللی را زیر عنوان (امپراطوری غوری ها جایگاه آن در تاریخ، تمدن و فرهنگ افغانستان و منطقه) در کابل پایتخت افغانستان، بتاريخ ۲۲-۲۳ حمل ۱۳۸۸ هـ ش دایر نمودند، عده ای زیادی از فرهنگیان و متنفذین اکثر ولایات افغانستان از غوری ها و غوری تبارها، استادان پوهنتون کابل، رئیس و اعضای اکادمی علوم افغانستان عده ای از نمایندگان کشور های خارج مقیم کابل (کوردیپلوماتیک) جمعاً بیشتر از یک هزار نفر اشتراک داشتند.

بگیرند. تعریف بنیاد ها این است که در ماهیت و هدفمندی غیر سیاسی اقتصادی، مستقل و غیر وابسته می باشند، منجیت استراتژی و مرامی توجه عمیق در تحقیقات و مطالعه، احیای هویت درست سلاطین غور و معرفی میراث های علمی، تاریخی و فرهنگی می باشد، شایان ذکر است؛

عصر طلایی امپراطوری غوری ها و دست آورد های آن، از طرف نویسندگان ترکی، روسی، عربی، انگلیسی، فارسی پوشیده نبوده فرخندگی این عصر با شکوه، در عرصه های دینی، فرهنگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معماری با نوشته های زرین انعکاس داده شده که قابل قدر و ستایش است.

تأسف این جاست که بعد از اضمحلال و انقراض دوره امپراطوری غوری ها و از بین رفتن آخرین سلطان از سلاله غوری ها اکثریت کتب تاریخ یا از اثر جنگها سوخت و یا اینکه به یغما برده شد استمرار مداخلات مغل ها و خوارزم شاهیان، غوری ها را بصد هامصایب و آلام مواجه کرد، مخالفت های داخلی غوری ها از یک طرف رقابت ها و نیروی آزمند متذکره از طرف

در این سیمینار پیام رئیس جمهور افغانستان آقای کرزی، رئیس ولسی جرگه و مشرانو جرگه، سفیر جمهوری اسلامی ایران، رهبری و اعضای کانون اندیشه سبز، پوهنتون البیرونی و سید اقبال (منیب) والی ولایت غور به خوانش گرفته شد، شانزده مقاله علمی که از طرف اشتراک کننده گان تهیه شده بودند نسبت کمی وقت بعضی قرائت گردید و بعضی باقی ماند، فیصله گردید که تمام مقالات بصورت یک جزوه چاپ گردد، که بعداً تحت عنوان امپراطوری غوری ها چاپ گردید.

بعد از ختم محفل طی یک گردهمایی وسیع از مشترکین فیصله بر این شد تا یک نهاد اجتماعی به منظور معرفی هر چه بیشتر دوره امپراطوری غوری ها، در تمام عرصه های مادی و معنوی ایجاد گردد، غوری ها و غوری تبارها آمادگی خود را از ولایات مختلف اعلام نمودند، لذا شش سال قبل از امروز « بنیاد فرهنگی جهانداران غوری» رسماً ایجاد گردید.

بدون شک اصول جوامع بشری ایجاب می کند تا جهت تأمین زندگی متمدن سازمانها، انجمن ها، اتحادیه ها، شورا ها و دیگر تشکیلات اجتماعی وجود داشته باشد، تادر ترقی و انکشاف کشور خویش سهم

دیگرسبب گردید تا حکومت های محلی آنها هم وابسته به دیگران در سرزمین غور بوجود آید، آنده کتب تاریخ که فعلاً بدسترس است ما می شناسیم نگارش آنها قبل از وجود آمدن حکومت های محلی در غور می باشد، بعد از آن در دوصد سال اخیر فرهنگ تاریخ نگاری بار دیگر قد علم نمود، ولی در مورد غور کمتر تاریخ درست و معتبر نوشته شده، اگر چیزی هم نوشته شده، نگارندهای اند، دور از واقعیت وارونه و کودکانه فکر می شود، نویسنده نه دانش داشته و نه چیزی را از واقعیت های تاریخی می فهمیده، به عنوان مثال: بعضی ها نوشته اند که غوری ها در زمان احمد شاه درانی مسلمان شده اند، جاهل تراز این نویسنده دیگری می نویسد که؛ مردم غور در زمان امیر عبدالرحمن خان مسلمان شده اند، به اصطلاح این نویسندگان در حقیقت کاملاً از مطالعه و معلومات تاریخی بی بهره بوده، خیال پردازانی اند که هرچه به تصورشان آمده انشا کرده اند.

در حالیکه جداعلی غوری ها شنسب بن خرنک در زمان خلیفه چهارم حضرت علی کرام الله وجه در سال ۳۶ هجری مسلمان شده بود کتاب طبقات ناصری و دیگر کتب تاریخی ثقه در این زمینه نگارش تفصیلی دارند، شوربختانه در این اواخر آقای ظاهر طنین ژورنالیست مشهور کشور در کتاب تاریخ خود «افغانستان در قرن ۲۱» آثار و بناهای افغانستان را به تصویر کشیده منار جام را بنای مربوط به غزنویان گفته، حال اینکه نه افغانی های دانشمند، بلکه دانشمندان خارجی این واقعیت را میدانند که بنای منار جام از افتخارات سلطان غیاث الدین محمد سام غوری می باشد، ذریعه انتر نیت از آقای طنین خواستم تا نوشته خود تصحیح نماید.

آری؛ ارزشمندی هر دوره از ادوار، فرهنگ، دانش، عدالت و انبیه های تاریخی بیانگر هویت و تمدن آن می باشد، هرگاه دوره ی امپراطوری غوری ها را ژرف نگری نمائیم، از لحاظ فرهنگی و خدمات اجتماعی درخشنده ترین عصر می یابیم، گوشه گوشه ولایت باستانی غور مملو از داشته های پر افتخار است که ایجاب مطالعه بیشتر را می نماید، شخصیت ها، دانشمندان زبردست، هنرمندان بی نظیر، اهل تصوف و معرفت در جغرافیای غور زندگی میکردند، که هنوز ناشناخته می باشند «بنیاد» در تب و تلاش است تا آرام آرام با در نظر داشت شرایط امنیتی غرض مطالعه و پژوهش آنها برود و یافته های خود را در همه ابعاد آن در سطح ملی و بین المللی انعکاس دهد، در صورت امکان طور مستقل و یا از طریق وزارت اطلاعات و فرهنگ، جا های نشانی شده را تحقیق خواهد کرد.

ماهنامه شنسبانه نمونه ی دیگری این بنیاد است که همراه در هرات چاپ و نشر می شود و طرفداران زیاد پیدا نموده، نویسندگان با علاقه ی خاص در این ماهنامه همکاری قلمی دارند، مدیریت این ماهنامه با رعایت اصول و پرنسپ های نشراتی در نشر و پخش این ماهنامه نقش سازنده و قابل قدر دارد، این ماهنامه نه تنها در مرکز ولایت هرات، بلکه در ولایات فراه، نیمروز، غور و بادغیس و در اکثر ولسوالی های ولایت غور و هرات توزیع میگردد.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری سخت علاقمند است تا در سایر نهاد های فرهنگی داخل و خارج منجمله کشور هندوستان که یکی از کشورهای دارای بیشترین آثار دوره ی امپراطوری غوری های باشد ارتباط برقرار نماید و در شرایط مساعد درباره آثار معماری و فرهنگی دوره غوری هاداران کشور مطالعات تحقیقی و پژوهشی را انجام دهند.

یکبار دیگر از تمام دانشمندان کشور و بخصوص از هموطنان غوری خود خواهشمندیم، هرگاه در مورد غور معلومات و یا دسترسی به آثار تاریخی داشته باشند این بنیاد را همکاری نمایند، عقیده بر این است، زمانیکه صدها تن از شخصیت های علمی و ادبی نویسندگان و دانشمندان در اطراف و دربار سلاطین غور جمع بودند، حتماً آثاری از آن ها باقی مانده که تاکنون کشف نگردیده، آثار بسیار عمده دوره ی سلاطین غور در زمان امپراطوری آنها عبارت است از :

قطب منار دهلی و مسجد قوت الاسلام در هند، منار سربفلک کشیده بخاراماورانهر، آبدیه شاه مشهد در ولایت بادغیس، منار شیروان (سیروان) اوبه که به کتیبه های متعددی مزین گردیده بود، خانقاه های چشت شریف، مسجد جامع بزرگ شهر هرات، قلعه اختیار الدین طاق بزرگ زیارت خواجه عبدالله انصاری در ولایت هرات، منار جام و ده ها قلعه تاریخی در ولایت غور، این آثار ماندگار دوره غوری ها که تاکنون شناسایی گردیده به مفهوم این نیست که عمرانات آن به همین چند اثر خلاصه میگردد.

یکبار دیگر از تمام دانشمندان کشور و بخصوص از هموطنان غوری خود خواهشمندیم، هرگاه در مورد غور معلومات و یا دسترسی به آثار تاریخی داشته باشند این بنیاد را همکاری نمایند.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری امید و ارادت که نتیجه تحقیقات و کاوشهای علمی و فنی به کشف آثاری بیشتری نایل آید، زیرا از طرف هیچ ارگان باستان شناسی ولایت غور تاکنون مطالعه نگردیده و دست ناخورده می باشد، بی جان نیست که ما از خدمات بنیاد فرهنگی جهانداران غوری افتخار می کنیم، زیرا این بنیاد صرف نظر از فعالیت های انجام شده به تعداد پنجاه عنوان کتب تاریخی علمی، فرهنگی و عرفانی را چاپ و نشر نموده که بصورت تفصیل در کنفرانس شهر اسکندربورگ کشور دنیمارک در سال ۱۳۹۲ به افتخار شهادت سپه سالار بزرگ امپراطوری غوری ها (سلطان شهاب الدین محمد سام غوری) برگزار گردیده بود از طرف نماینده بنیاد توضیح داده شد (مراجعه گردد به سایت زیبای جام غور)

و اینک بیشتر از دوازده عنوان کتب تاریخی، علمی و ادبی زیر چاپ است که بزرگترین کتب عبارت از تاریخ اعلیحضرت شیر شاه سوری تاریخ تولک، دیوان محجوره غوری و دیوان اشعار افکار می باشد. فعالیت های فرهنگی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری در قسمت ارتباطات با ادارات دولتی، غیر دولتی و نهاد های فرهنگی جهانی از فعال ترین نهاد های کشور بوده و در قسمت نشراتش با بسا نهاد های فرهنگی با سابقه همراهی دارد، شش سال کارگر چه بسیار اندک است، اما فعالیت های بنیاد غیر قابل تصور بوده و در امر معرفی فرهنگ غنای غور باستان از ید طولای برخوردار است.



ولسوالی دولتیار

نبی ساقی

به سلسله معرفی واحد های اداری غور یکی از ولسوالی های زیبا و با سابقه ی تاریخی را در این شماره از شناسنامه به معرفی میگیریم، این ولسوالی را می توان محل ناله های عاشقانه صمد «ملنگ»، عاشق دلباخته «لیتان» نیز نامید، زیرا زمانیکه رهگذری از پشته ی نور این ولسوالی عبور نماید، ناله های دل انگیز آن ملنگ را بصورت خاصی در وجودش احساس می نماید که گفته بود:

سرم، سرمست با سودای عشق است
 زبان هر لحظه با غوغای عشق است
 سرور و روح و روان و عقل و فهم
 تنم غواص بادریای عشق است
 رسان مرغ دل عاشق خدایا؛
 بهر جامنزل و ماوای عشق است
 الهی مرحمت کن، گیر دستش
 هر آنکس مثل من رسوای عشق است
 نظر کن با «ملنگ» غم کشیده
 عجب پامال زیر پای عشق است

ویا در یک دوبیتی

اگردانم که لیتان یار باشد
 ببخشم سر، اگر در کار باشد
 اگر کشت و اگر بخشد اگر زد
 همان سروسخن مختار باشد

بهر صورت؛ موقعیت جغرافیایی، همواری ها و کوهسار این ولسوالی نشان دهنده ی آنست که یک منطقه ی خاصی برای زراعت بوده و زمانی گدام مرکزی غور (شهر فیروزکوه) از حاصلات گندم آن پر می شد و در اوقات لازم از طریق مدیریت ارزاق وقت به مستحقین توزیع میگردید، دولت یار همیشه پرآب است و شاخه اصلی هریرود که از تنگل آب سرچنگل عبور می نماید، در قسمت مرکزی این ولسوالی یک منظره ی زیبای را تشکیل داده که به «ماهپیر» معروف است و با آبشار زیبایش ماهیان این دریاچه به ارتفاع الی سه متر در فضا پرتاب می شوند که تفرجگاه خوبی برای مردم آنجا و سایر بازدیدکنندگان است، بهمین منوال بود که در زمان سردار محمد حنیف خان والی غورد در کنار این ماهیپر مکتب ابتدائی در یک و نیم منزل بصورت پخته و اساسی اعمار نموده و اوقات فراغتش را در همین مکان زیبا سپری می نموده است.

هنوز وجه تسمیه (دولتیار) مشخص نیست، اما از ظاهر نام معلوم می شود که در این ساحه مردم زحمتکش و کارکن زندگی می نمایند و هیچگاهی برای تأمین زندگی شان دست بجای دیگری دراز ننموده اند، همیشه از عرق پیشانی و بازو های توان مند شان کار گرفته اند، جغرافیه نگاران، سیاحین در این منطقه توقف های پژوهشی داشته و مطالعاتی را نیز در زمینه انجام داده اند که میتواند بر قدامت این ولسوالی که در آن وقت بیکی از قریه های فیروز کوه منصوب بود اشارات خوبی دارند.

ولسوالی دولتیار در شرق مرکز ولایت غور (فیروزکوه) و در کنار شاهراه کابل - غور و برخط ۵۱-۴۷-۶۱ طول البلد شرقی و ۴۵-۳۲-۳۴ درجه عرض البلد شمالی موقعیت دارد. براساس آخرین آمار ها نفوس این ولسوالی ۳۷۷۴۲ تن (SEDP/ UNF- PA) بوده که در ۱۳۱ قریه زندگی می کنند. (احصاییه مرکزی ۱۳۹۲)

در ولسوالی دولتیار اقوامی از قبیل دهمرده، تیمنی، مرغابی، زی حسین، هزاره و طوایف کوچک تر دیگر زندگی می کنند و به زبان فارسی دری تکلم می نمایند. این اقوام در مناطق مانند: تحت دولتیار، دره کشر، سمک و پشته نور، شرشر وقاضی شنیه و گری ها وغیره زندگی می نمایند. دو شاخه اصلی هریرود از منطقه دره کشر و مرکز این ولسوالی می گذرد و در

زیرنویسها:

۱- پنجشیری عزیزاحمد، جغرافیای تاریخی غور (۱۳۶۰) چاپ دوم (۱۳۹۱) بنیادفرهنگی جهانداران غوری، کابل.

۲- احصاییه مرکزی سال ۱۳۹۲

۳- سایت جام غور

۴- CSO/UNFPA Socio Economic and Demographic Profile

ناحیه شنیه هر دو شاخه باهم یکجا می شود و مسیر خود را به طرف شهر فیروزکوه ادامه می دهد.

مردم دولتیار غالباً زراعت پیشه هستند و غله جات و حبوباتی از قبیل گندم، جو، نخود، مشنگ، قومون، کلول، کچالوو پیاز محصولات اصلی زراعت این ولسوالی را تشکیل می دهد. کاشت درختان میوه دار از قبیل سیب، زرد آلو، بادام و غیره نیز در این اواخر در دولتیار رواج شده است اما هنوز این زراعت به وسیله امرارمعاش مردم تبدیل نشده است.

دولتیار از لحاظ تعلیم و تربیه در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته و در حال حاضر فارغین مکاتب دولت یار به سطح دوکتورا، ماستر و لیسانس در کشور و خارج کشور ایفای وظیفه می نمایند.

دولتیار از نظر آثار و آبدات تاریخی نیز نسبتاً غنی می باشد آثار و آبده های مانند کوشک های شنیه چراغان، کوشک های دره کشر، قلعه دهن سینه بولاغ، رباط دولتیار و خرابه های شهرک کوشک بهار را می توان از آن جمله یاد کرد. کوشک های شنیه و دره کشر که ظاهراً از یک دوره تاریخی می باشند بایک نوع سنگ سیاه نازک و گاهی از گل ساخته اند. قلعه دهن سینه بولاغ نیز در یک مساحت مربع در سر یک کوه بلند قرار دارد و برج های سیاه سنگی نیز در ارتفاعات بلند تر به عنوان دیدبانی از قلعه محافظت می کرده است. سند تاریخی که ۱۳ سال پیش از کنار همین قلعه یافته شده بود به دوران ماقبل اسلام بر می گشت که در روی یک نوع کاغذ خاص نوشته شده بود.

شهرک کوشک بهار نیز خرابه های یک شهر قدیمی را نشان می دهد که بر اساس یافته های تیم باستانشناسی کشور لیتوانیا به دوران قبل از اسلام تعلق دارد و در سالهای دوران طالبان، سکه های طلائی و مجسمه های قدیمی و ظروف طلائی فراوانی از آن خرابه ها به دست آمده بود که توسط قاچاق چیان آثار عتیقه به غارت رفتند.



احترام و گرامی داشتن

مدیریت ماهنامه

احترام در لغت؛ حرمت داشتن، بزرگ داشتن، حرمت، پاس و بزرگداشت معنا میدهد، احتراماً از روی احترام و بزرگداشت در اینجا احترام و گرامی داشتن به انسان اشاره میکند که چگونه برخورد و با دیگران حرمت گذاشت؟ مقاله زیر پیرامون احترام و گرامی داشتن برگزیدیم و بخواننده عزیز شناسنامه تقدیم می‌داریم.

گرامی داشتن آگاهانه باشد، به آن معناست که احترام گذار دریافت های واقع بینانه ی از طرف مورد احترام یا شخص مقابل دارد، کسانی که احترام را به عنوان ارزش انسانی کم دارند در واقع یا پررویی حیاندویا هنوز از ارزشها شناسایی و درک واقعی ندارند، انسانهای این چنینی، نمک را میخورند و نمکدان را می شکنند و از اهمیت نمکدان غافلند.

در عصر ما بیشترین احترام گذاری در جای واقع میگردد که از آنجا طمع میسر میگردد، که این رویه قطعاً حیوانی است احترام گذار برای خود و احترام شده به شخصیت مصنوعی خود می افزایند، همین است که هیچ جامعه ی بطرف انسانی شدن سوق نمی شود و در عقب مانده ی فرهنگ انسانی باقی می ماند، اگر امروز بشریت از اصل خود دور مانده، بجای انسانیت پایبند بازی های بازاری است احترام و گرامی داشتن جوانب قابل احترام و گرامی داشتن را دست کم گرفته است، وقتی مولانا جلال الدین محمد بلخی را هفتصد سال بعد می شناسند این به آن معناست که هفتصد سال از ارزشهای آن بزرگ مرد محروم بوده اند و هفتصد سال حق احترام او را بجانکرده اند البته این یک نمونه صد ها نمونه از این قبیل اند که انسان بازار زده از آن محروم مانده، نه احترام آنها را ادا کرده و نه از مزایای آنها بهره برده است.

جهان را با نهایت بی حیایی غارت می کنند و بدون آنکه به آن احترام گذاشته و بحفظ آن توجه کنند، پدر، مادر، فرزند به دنیا می آورند و محرومیت می کشند، ولی وقتی فرزند بزرگ شد، بجای این که به آنها احترام بگذارد و آنها را گرامی بدارد و از آنها مواظبت کند، آنها را ذلیل می سازد و بیش از پیش زجر میدهد، تصادفی نیست که بشریت هر روز بعد در فساد غرق می شود.

بهمین منوال احترام ، مصدر باب افتعال از ریشه «ح ر م» و به معنای حرمت نگه داشتن است حرمت نیز به معنای آن چه که هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است و «حرام» به معنای چیزی (کاری) که انجام دادن آن ممنوع باشد و «حَرَم» مکان محترمی است که انجام دادن برخی امور مجاز در مکان های دیگر در آن جا روا نیست و «حریم چاه» به معنای اطراف آن است که جز مالک، کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن جا را ندارد و «حرمت شخص» چیزی است که شخص از آن حمایت و دفاع می کند، احترام در اصطلاح عرف به معنای تعظیم ، گرامی داشت و بزرگداشت، بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.

یکی از ارزشهای مهم انسانی که در روابط میان انسانها نقش برجسته ی دارد، احترام و گرامی داشتن است، ولی احترام و گرامی داشتن صرف در روابط انسانها خلاصه و محدود نمی شود بل کار برد خیلی گسترده دارد؛ احترام به معبود احترام به آزادی، حق عدالت، انصاف، احترام به انسان و انسانیت احترام به ارزشهای انسانی، احترام به مقدسات عقاید و باورهای انسان، احترام به بزرگان، احترام به آثار علمی، ادبی هنری، احترام به زندگی، هستی، جهان و دست آورد های انسان و بشر (آدمی، آدم و انسانیت)...

احترام در واقع استحقاق جوانب سزاوار بر انسان است، که از سبب ستاندن ها بر انسان بر میگردد و انسان با ادای احترام دینش را ادا میکند در انسانی که احترام به عنوان ارزش انسانی جا بجا است و به داراییش مبتدل گردیده، خود جایگاه محترمی دارد و همواره از احترام برخوردار است، هر قدر احترام گذاری و



داشته باشیم که لباس افراد به شخصیت آنهاست.

- **پنددوم: به هنگام گفتن سنجیده و به گاه شنفتن آرمیده باید بودن.**

زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم
به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

(حضرت سعدی)

از آنجا که هنوز چیزهای زیادی برای آموختن وجود دارد، بهتر است که دهان را بسته نگاه داشته و گوش کرد. باید خردمند بود و فقط چیزی را که لازم است گفت. در واقع تا زمانی که لازم نیست نباید زبان به گفتن گشود.

اشتباهات معمولاً توسط افرادی صورت می گیرند که بدون دلیلی مناسب زبان به صحبت می گشایند. بعنوان یک اصل علمی میتوان گفت که هر قدر یک فرد اطلاعات کمتری از شما داشته باشد، احتمال ماندن وی در فاصله ای محترمانه بیشتر خواهد شد.

- **پند سوم: دروغ!!!**

دروغ گفتن برای تحت تاثیر قرار دادن و یا جلب احترام دیگران نتیجه معکوس در بر خواهد داشت. هیچ راهی سریعتر از دروغگویی برای از دست دادن احترام وجود ندارد، بخصوص زمانی که آن دروغگویی با حماقت همراه باشد. هر گاه در امری اطلاع کافی و وافی نداریم بهتر است به سادگی بگوییم «من در این مورد نظری نمیتوانم بدهم.» یک انسان منصف و ژرف اندیش حقیقی کاستی ها و ضعف های خود را می پذیرد. احترام واقعی ریشه در انصاف و ژرف اندیشی انسان دارد. دروغ حجیم است اما حجم یک بوته روان به دست باد در برهوت بی بر وجودهای بیریشه.

گرامی نداشتن و احترام نگذاشتن به ارزشهای انسانی، این ضعفی است که بشریت را در برابر فساد، آسیب پذیر ساخته است. گرامی داشتن و احترام گذاشتن به دست آورد های انسان و بشریت که در واقع انسان و بشریت را از مصیبت و سرگشتگی و بی لجامی نجات میدهد، طرف توجه قرار ندارد و تنها همانهای که در درد بازار میخورند، در محور توجه قرار میگیرند.

احترام و گرامیداشت آن جوانبی که قابل احترام و گرامیداشت اند، انسان را نه تنها به ارزشها و واقعیت ها می رساند، بل او را متوجه خودش نیز می سازد، تا انسان بهتر باشد و قابل احترام و گرامیداشت گردد، متأسفانه در جهان مامقام انسان را احترام نمیگذارند و بیشترین قدرت و ثروت را جلدی میگیرند، اگر امروزه انسان را محترم می شمردند، بدون شک انسان گرسنه نمی ماند و میلیونها طفل در جهان به سو تغذی مواجه نمی بود.

در جهان ما متأسفانه همان مقدسات، عقاید و باورهای بیشتر از احترام و گرامیداشت برخوردارند، که به انسانهای ثروتمند و قدرتمند تعلق دارد، این طرز و طریقه - برخورد، رویه اخلاق - با احترام و گرامیداشت به عنوان ارزش انسانی کاملاً در تناقض است، اگر انسان و بشریت، احترام و گرامیداشت رابه عنوان ارزش انسانی در برابر همه ارزشهای قابل احترام، بدون تبعیض، تعصب و سایر انگیزه ها روا میداشت، بدون شک جهان امروزه و بشریت بهتری میداشتیم.

کوروش کبیر در مورد احترام شش پند جالبی دارد که از جمله به سه پند آن اکتفا می نمائیم:

- **پند اول: تن پوشت همواره آراسته باشد.**

صرف نظر از اینکه در گذشته چه کار کرده اید، چقدر پول در حساب بانکی خود دارید، تا چه اندازه مشهور هستید یا چقدر وزن اضافه کرده اید، یک شخص با لباسی شایسته، بهتر از یک کهنه پوش مورد توجه قرار میگیرد. البته همه میدانیم شخصیت افراد به لباسشان نیست، ولی این نکته را باید همواره به گوش

زیر نویس ها

۱. لغت نامه داکتر محمد معین

۲. محمد رسول جهان بین، کی ها انسانهای برتر اند؛ ص ۲۲

دلی حرف

نجوای یلدایی از استاد دهزاد

شب یلدا حکایتی که به باد صیاش گفتم من
شکایتی که ز جور و جفاش گفتم من
حدیث نیم شبی بود در شب یلدا
که در کمند دو زلف سیاش گفتم من
مرا که اینهمه شبها همیشه یلدائیس
به یاد صبح و طلوع ضیاش گفتم من
ز بس کلافه ی دردم ز سوز دل گاهی
به حال خواب ، خیال هواش گفتم من
گلایه ای که ز بی مهریش به خود دیدم
سحر گهان به حضور خداهش گفتم من
از آنکه این دل مسکین من به دام اوست
به وسعت دو جهانی دعاش گفتم من
شکسته شد قلم از شرح حسن او دهزاد
ز بسکه خوبی ناز و اداهش گفتم من



دوبیتی

نبی ساقی

به این عشق و به این غم گریه کردم
به این مرگ دهم گریه کردم
برای این امید نا حق خود
نشستم سخت محکم، گریه کردم

دوبیتی از ملنگ صمد

یک نگاه چشم تو چشم مرا محتاج کرد
لشکر حسنت متاع عقل را تاراج کرد
غارت جان ملنگت ناز بسیار تو شد
خندهء زیر لبش آخر مرا اخراج کرد

محمد و ائمه غوری

خدایا کاش من دیوانه بودم
پوشان بر در هر خانانسه بودم
ویا برقی چنان می سوخت دلم را
که فارغ از غم کاشانه بودم

فغان از دست این چرخ جفا کیش
که هر دم میزند بر دل مرانیش
به آزارم دلم گوشه ندانم
چه خواهد از من حیران و دلبریش

انگیزش

چرا مردم کار می کنند؟

فاطمه غلامی



از طرف دیگر، افرادی را می بینیم که از نظر اقتصادی کاملاً در رفاه هستند، اما بجای بیکارماندن، دوست دارند همچنان فعال باشند این موارد ما را یادآور می کنند تا نظریه X رازیر سوال ببریم، نظریه X عوامل درونی را که می توانند انگیزه کار را توجیه کنند، به فراموشی می سپارد.

باین همه نظریه مک گرگور نارسایی های نظریه X را تکمیل می کند و انگیزش را بر اساس عوامل درونی، که فرد را برای کار کردن برمی انگیزد، تبیین می کند.

نظریه Y فرض می کند که مردم کار کردن را دوست دارند، بدین معنا که از کار کردن لذت می برند، استراحت، بازی و کارنیزهریک به نوبه ی خود لذت بخش است، کارفرمایانی که این دیدگاه را می پذیرند، معتقد اند که کارگران بدنبال مسئولیت پذیری و خود مختاری هستند و در انجام دادن کار خود، خلاقیت و کاردانی نشان می دهند.

دیدگاه مک گرگور هرچند جالب است معایب مهمی دارد، در واقع این دیدگاه خیلی انعطاف پذیر است، از یک طرف نظریه X فرض می کند که همه کارکنان تنبل هستند و کار کردن را دوست ندارند در حالیکه نظریه Y درست در خلاف نظریه X گام برمیدارد و فرض می کند که همه ی مردم پویا هستند و کار کردن را به اندازه ی بازی کردن دوست دارند.

به نظر میرسد که واقعیت در حد وسط این دو نظریه افراطی

در سال ۱۹۶۰ مک گرگور سعی کرد علت های انگیزش مردم برای کار کردن را به ارائه دو حرف لاتین X, Y بیان کند، بطور کلی این نظریه، انگیزش کارکنان را بصورت که کار فرمایان درک کرده اند مطرح می کند.

نظریه X فرض می کند که مردم، در مجموع کار کردن را دوست ندارند، جاه طلب نیستند و از مسئولیت فرار نمی کنند، مک گرگور ادعا می کند که نظریه X را می پذیرند، معتقد اند که باید رفتار زیردستان را بطوری تغییر داد و بطوری کنترل و هدایت کرد که با نیاز های سازمان و یا اداره مربوط انطباق داشته باشد.

اگر مدیران کنترل لازم را بعمل نیاورند، این خطر وجود خواهد داشت که کارکنان رفتار های پیش بگیرند که آنها را از نیل به اهداف سازمان منحرف می کنند (لندی ۱۹۸۵) بنابراین، برای ایجاد انگیزه باید افراد را بطور دقیق کنترل کرد، زیرا آنها دوست ندارند کار کنند، تقویت مثبت نیز مانند پول به عنوان عامل انگیزشی به کار می رود تا اندازه ی علت کار کردن افراد را تبیین می کند.

اما واقعیت این است که همه مردم از کار کردن بدشان نمی آید بسیاری از مردم برای کار کردن انگیزه ی قوی دارند و این انگیزه مستقل از تهدید ها یا تنبیه هاست، مثلاً؛ کسانی که تقاعد می کنند، دوست دارند همچنان فعال باقی بمانند، اغلباً کوشش می کنند بکار دیگری مشغول شوند، گاهی هم بصورت داوطلبانه بصورت مجانی برای مراکز خیریه، سازمانها، ادارات فرهنگی و علمی کار میکنند.

قرار دارد، عملاً می بینیم که برخی اشخاص دوست دارند کارکنند درحالیکه برخی دیگر استراحت و بیکاری را ترجیح می دهند، همچنین می دانیم که دلایل انگیزش مردم بکار، از شخص به شخص دیگر فرق میکند، برخی اشخاص برای پول بدست آوردن کار می کنند، برخی دیگر بمنظور ارتباطات با مردم، عشق ورزیدن بکارویا بر اثر اجبار کار می کنند، دیدگاه مک گرگور، بآنکه جالب است کل گراست، به نظر میرسد که انگیزش به دیدگاه خود فرد وابسته است.

هرتزر برگ یکی از متفکران انسان گرای مکتب مدیریت بود و بر ابعاد انسانی سازمان ها تأکید می کرد. این امر کاملاً مغایر با نگرش های مکانیکی متفکران علمی بود. دیگر هم فکران او عبارتند: از ماری پارک فولت، التون مایو، داگلاس مک گرگور، آبراهام ماسلو چارلز هندی و تام پیترز.

سلسله مراتب نیازهای ماسلو در سال ۱۹۴۳، بر روان شناسان صنعتی همچون هرتزر برگ تأثیر گذارند زیرا نشان می داد که می توان با تأکید بیشتر بر رفع نیازهای فردی و عاطفی، رضایت بیشتری را در کار ایجاد کرد.

هدف هرتزر برگ شناخت عوامل محیطی و انگیزشی بود. کار او تأثیری شگرف بر مدیریت منابع انسانی داشت. مفاهیمی همچون غنی

توان از آن برای تقویت سایر عوامل ایجادکننده انگیزه بهره برد. دیگران به این نکته اشاره می کنند که افراد غالباً تجارب خوب کاری خود را بر اساس عواملی تعریف می کنند که برای آنها اعتبار به دنبال دارند مانند موفقیت، مسئولیت پذیری بیشتر یا تقدیر از کار. بر عکس، آنها تجارب بد کاری را مبتنی بر عواملی می دانند که خارج از کنترل هستند مانند شرایط ضعیف کاری یا یک رییس بیش از حد سختگیر.

محققان اخیر بر این باور هستند که مهم ترین کاربرد نظریه های هرتزر برگ، مربوط به کارمندی است که از عوامل محیطی رضایت دارند. آنها معتقدند کارکنانی که به خوبی از کارشان تقدیر می شود، تأکید بیشتری بر عوامل انگیزشی دارند و آن را مهم تر می دانند.

ایجاد انگیزه در افراد کاری نیست که مدیران بتوانند به راحتی انجام دهند، زیرا آنها باید تلاشهای خود را با ویژگی های افراد انطباق دهند، هر فرد متفاوت از دیگران است و این تفاوت از نگرشها، رفتارها، نیازها، اهداف و یادگیری هاناشی می شود.

نیازها عبارت از کمبودی های زیستی، روانی یا اجتماعی که بموقع احساس می شوند، این کمبودها، که جدا از هم ویا بطور گروهی وارد

محققان اخیر بر این باور هستند که مهم ترین کاربرد نظریه های هرتزر برگ، مربوط به کارمندی است که از عوامل محیطی رضایت دارند. آنها معتقدند کارکنانی که به خوبی از کارشان تقدیر می شود، تأکید بیشتری بر عوامل انگیزشی دارند و آن را مهم تر می دانند.

عمل می شوند، فرد را وادار می کنند تا نگرش یا رفتار خاصی را پیش بگیرند، به عقیده برخی نظریه پردازان، انگیزش از روی رفتار یا نگرش فرد، به هنگام تلاش برای رسیدن بیک هدف معین، استنباط می شود، رسیدن به هدف باید ناراحتی ناشی از احساس کمبود را بطور قابل ملاحظه ی کاهش دهد، اما این نیاز نباید بین برود، زیرا آنچه برای مدیریت اهمیت دارد، اینست که فرد، برای نشان دادن رفتار های برانگیخته شده پافشاری کند.

انگیزش در واقع حالت کمبود و حالت نیاز را نشان می دهد، انسانها برای رفع کمبودات تلاش نسبی دارند، اما برای حاصل نمودن نیازها تا حد توان می شود کار کرد و نیازها را که در واقع همان غذا، سرپناه، لباس و محیط آرام است، باید بطور حتم حاصل گردد امروز وقتیکه بیک کارخانه کسی شامل کار می شود به اساس نظریه مک گرگور یا جهت مصروفیت، تماس با دیگران کار میکند و یا اینکه نیازمند است می کوشد تا مایحتاج زندگی اش را حاصل نماید.

بچه ها و دختران تا مادامیکه در خانواده پدر و مادرانند، انگیزش کاری آنها بسیار کم بوده و کار کردن را یک مصروفیت میدانند نه نیاز اما زمانی که ازدواج می کنند و تشکیل خانواده می نمایند عمیقاً احساس می کنند که کار کردن یک نیاز مبرم است و باید در جستجوی کار بود و بهترین کار را مطابق میل دریافت.

ساختن شغلی، توسعه فردی و رضایت شغلی، از طریق این دیدگاه او مبنی بر اینکه انگیزه از دل افراد بیرون می آید، نه از دل سیاست های اعمال شده توسط شرکت، تکامل یافتند. این امر همچنین بر روش پرداخت حقوق و مشوق های سازمانی نیز تأثیر گذارده است.

هرتزر برگ معتقد است که باید آن نوع انگیزه ای را انتخاب کرد که بیشترین اهمیت را برای افراد دارد. بسیاری از سازمان ها بر این باور هستند که پول تنها انگیزه برای کارکنان است اما، کار هرتزر برگ نمایانگر رویکردی جامع تر است. پس از هرتزر برگ نیز تحقیقات آکادمیک زیادی در این خصوص که مهم ترین عوامل ایجاد انگیزه چه هستند، صورت گرفته است.

گری هامل می گوید: «بسیاری از سازمان ها بر این عقیده هستند که، تنها انگیزه کار کردن، اقتصادی است. این گونه برخورد کردن با داری های فکری نمی تواند باعث شود که ما به بهترین تلاش افراد خود دست یابیم. هرتزر برگ رویکردی جامع تر را ارائه کرده است.

رویکردی که هنوز هم به طور گسترده ای توصیه می شود.»

انتقادهای صورت گرفته در مورد هرتزر برگ مبتنی بر این استدلال هستند که پول نقش مهمی در معادله انگیزه ایفا می کند و می



سلام کردن

مدیریت ماهنامه

یکی از روش های خیلی معمول، اما نهایت مهم و ارزشمند در تمام ادیان و فرق جهانی دادن سلام است. دادن سلام شخص به شخص دیگر یا فردی به افرادی دیگر عمیقاً حس محبت، دوستی و یکدلی را به طرف مقابل نشان میدهد، چه رسد به آنکه این جمله کوتاه چون (سلام علیکم) بسا کدورت ها، منازعات و رنجش ها را برطرف نموده، دوستی و محبت را تولید می نماید، بدبختانه در شرایط کنونی که فرهنگ و ادب ما زیر تأثیرات فرهنگ های بیگانه قرار گرفته و سطح تعلیم و تعلم هم حالت نزولی و قهقرایی دارد فرهنگ سلام دادن از جامعه ی ما به کم رنگی گرائیده است.

دیگری سبقت گیرد، راوی حکایت می کند که در سلام دادن هیچ انسانی بر پیامبر بزرگ سلام سبقت و یا پیشی نداشته است، پس دیده می شود سلام دادن یک عمل عاطفی و پسندیده است که هر انسان به آن مکلف دانسته شده است.

شخصی حکایت می کند که؛ روزی یکی از دوستانش که ثروتمند ترین فرد روزگار خود بود به من مراجعه نموده گفت : میدانی ای دوست، من در تمام گوشه های زندگی ام به کدام کمبود مواجه نبوده و همه چیز را هزاران چند از مایحتاجم زیاد تر دارم، اما نمیدانم چه رازی در زندگی ام نهفته است که زندگی در خانواده ام به آن صورتی که میخواهم؛ از نشاط و خوشی برخوردار نیست و همه چیز بصورت تحمیلی انجام می شود، اما وقتی که به همسایه ام نظر می اندازم، نه تنها لقمه نانی بکف ندارند، صدای وسایل پخت و پز از کاشانه ی شان رخت بر بسته ولیکن در سیمای هریک از اعضای آن خانواده

بسا اوقات شده که میخواهی از جاده و یا کوچه ی عبور کنی وقتیکه به خیلی جوانان و نوجوانان مواجه می شوی انتظار نمی رود جمع این نوجوانان شما را به دادن سلام بدرقه نمایند در عوض ممکن به متلک گویی ها، کنایه ها و حتا گاهی به دشنام آنها مواجه می شوی، روی این اصل در این شماره ی شناسنامه خواستیم آداب سلام دادن را از آدرس دین مقدس اسلام و فرهنگ غنامند کشور ما به بررسی قرار دهیم.

دانشمندان دینی را عقیده بر آنست که سلام به یکدیگر ایجاد انس و الفت می کند، کینه ها، کدورت هارا می زداید، چین های جبین را باز می نماید، بنا بر این؛ زن و شوهری که نیاز به انس و الفت، صفا و صمیمیت بیشتری دارند، این دستورها باید بیشتر رعایت کنند شوهر که از دروازه خانه داخل می شود باید به همسرش سلام کند، هرگاه از خواب برمی خیزد زن به شوهر سلام کند و بهتر آنکه در سلام کردن هریک بر

سرور و خوشی نمایان می شود.

در یکی از احادیث رسول اکرم (ص) میخوانیم که فرمودند « ناتوان ترین مردم، کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد و بخیل ترین مردم کسی است که از سلام کردن دریغ ورزد. » همچنین پیامبر بزرگ اسلام در حالیکه بخل را یک کار ناشایسته و نامیمون می پندارند، در قسمت سلام کردن میفرمایند: « افشای سلام این است که مسلمان، از سلام کردن بر هیچ مسلمانی بخل نورزد. »

از رسول خدا (ص) روایت است که فرمودند: پنج چیز را تازمان مرگ ترک نمی کنم؛

۱. در جای پست با بردگان غذا خوردن
 ۲. برالاغ بی پالان سوار شدن
 ۳. بزرا بردست خود دوشیدن
 ۴. لباس ژولیده پوشیدن
 ۵. سلام کردن بر کودکان، تا پس از من سنت شود و مسلمین بخصوص رهبران شان این اعمال را انجام دهند.
- روانشناسان بصیر و با انصافی که درباره ی شخصیت دادن به کودکان دستور میدهند، کتابها می نویسند و فواید و مزایای برای آن نقل می کنند، آیا دستور ساده تر، شخصیت دهنده تر، ریشه دار تر از سلام کردن رهبر به کودک برای شخصیت دادن به او پیدا کرده اند؟

بلی آنچه را بمثابة نقل و قولها از کتاب بزرگ اسلام (قرآن کریم) و سخنان رهبر بشریت جناب پیامبر بزرگ اسلام در این جا آوردیم نشانه است بر تربیه و تعلم اطفال و نوجوانان تا باشد آنها فرهنگ سلام دادن و عزت بخشیدن بخود خانواده و بزرگان را بیاموزند و از دیگران در ادای سلام دادن پیشی نمایند.

آنچه که امروز جامعه ی ما را بیک محیط خشن و مردم مارا به مثابه انسانهای خشونت آفرین جلوه داده همانا پیروی از فرهنگ های وارداتی و بیرونی است، مطالعه و بررسی تمام فرهنگ ها برای جوانان ما یک امر ضروری است، اما آنچه مورد پسند مردم با فرهنگ و با دیانت افغانستان است احترام متقابل بر یکدیگر می باشد.

وقتی که خداوند برای انسان کرامت بخشید و اور به تکریم از خود و دیگران فراخواند چه زیباست که هر پدر و مادر، هر زن و شوهر به اساس کرامت که از طرف خدا به ایشان ارزانی گردیده مبادرت نموده و احترام یکدیگر و احترام به مقام والای انسان را سرمشق خویش قرار دهند.

شخص می گوید؛ من به دوستم گفتم که آیا زمانیکه به خانه وارد می شوید، همسر و اعضای فامیل را سلام می کنید و یا حین خروج از منزل با ایشان خدا حافظی دارید؟ و یا اینکه با همسر خود پیرامون امور زندگی مشوره های لازم را اجرا می کنید؟ و بر فرزندان خود اجازه می دهید که راجع به کار های یومیه شان با شما صحبت کنند؟ آن شخص ثروتمند گفت؛ هر گیز؛ چون من بزرگ خانواده ام نیازی به چنین کارها ندارم، من به پلانهای کاری ام وارد بر امور بیرونی و داخلی خانواده ام تسلط کامل دارم نیاز به چنین حرفهای نیست.

شخص راوی می گوید؛ به آن دوستم گفتم که اگر چه برای تلخ و یا ناگوار خواهد بود باز هم آنچه را که ازت پرسیدم برای مدتی عملی کن و بعد نتیجه اش را بامن شریک بساز او شخص رفت و چندی بعد با جبین گشاده و لب پر خنده آمد و برایم گفت؛ حقا که تو بر حق بوده و آنچه را که برایم گفتمی یک حقیقت مسلم و یک عمل انسانی و عاطفی است که تمام مشکلات فامیلی ام را رفع و فضای خانواده ام را بیک جنت واقعی مبدل نموده است.

باید بدانیم که سلام دادن یک امر عادی است و هم از نظر اسلام فلسفه زیبای دارد که اگر به آن عمل نشود نه تنها سبب زدایش کینه و کدورت میگردد، بلکه فضای خانواده محل و منطقه را صمیمی و دوستانه می سازد، برعکس سلام ندادن علاوه بر عواقب ناگوار زندگی خانواده، محل و ناحیه ی که در آن بود باش داریم مختل نموده، بی اعتمادی و بی بندوباری را ایجاد می نماید.

در آیه (۸۶) سوره نساء آمده است: ترجمه؛ « هر گاه کسی شمارا سلام و ستایشی کرد، آن سلام و ستایش رابه بهتر از آن، یا مانند آن پاسخ دهید، که خدا حسابگر هر چیز است. »

همچنین در آیه (۲۳) سوره ابراهیم نوید میدهد، ترجمه « اهل بهشت یکدیگر را با سلام کردن خوش آمد می گویند. » در آیه (۶۱) سوره نور خداوند به پیامبرش می گوید « هر گاه به خانه ی وارد شوید (که کسی در آنجا نباشد) بخودتان سلام کنید، که سلام خوش آمدی هست مبارک و پاک از جانب خدا، خداوند اینگونه آیات خود را برای شما روشن بیان می کند، باشد که در آنها تعقل کنید. »

یادداشت برداری ها

• قرآن کریم

• احادیث نبوی (ص)

• دکتر سید جواد مصطفوی؛ بهشت خانواده



پروژه "تاپی" چیست؟

رسول مبین

درین روزها سر و صدای آغاز کار پروژه ی تاپی بسیار گرم و خبرساز شده است. خوب است که درین مورد معلومات و برداشت های خویش را بنویسم. تاپی در اصل برگرفته شده از حرف اول چهار کشور یعنی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان) است که به انگلیسی نیز چنین نوشته میشود (TAPI (Turkmenistan – Afghanistan – Pakistan – India Pipeline) و در اصل همان اعمار پایپ لاین گاز است که از طریق افغانستان و پاکستان به هندوستان از منابع گازی کشور ترکمنستان کشیده میشود.

پایتخت قبلی کشور تانزیا در افریقا که برای فعلا شهر دودوما پایتخت آن کشور میباشد مورد حملات ماین های جاگذاری شده صورت گرفت، ایالات متحد امریکا اسامه بن لادن را متهم به این قضیه خواند که در پشت این صحنه وی دست داشته است و توافق نامه های کار پروژه تاپی توقف داده شد. رهبر طالبان ملا عمر اعلان نمود که اسامه بن لادن از حمایت طالبان برخوردار است و بعد ازین شرکت یونوکال دفاتر خویش را از افغانستان و پاکستان به تاریخ ۷ دسمبر ۱۹۹۸ انتقال داد و این پروژه تا اوایل اداره موقت به رهبری حامد کرزی به همین حالت باقیمانده بود.

بعد از حملات ۱۱ سپتمبر و در سال ۲۰۰۲ مجدداً روی مساله پروژه تاپی صحبت صورت گرفت و در ۲۸ دسمبر ۲۰۰۲ بین حکومت های ترکمنستان، افغانستان و پاکستان موافقت نامه صورت گرفت و در سال ۲۰۰۵ میلادی نسخه تصحیح شده و جدید قرارداد تاپی از طریق بانک انکشافی آسیا که توسط شرکت بریتانیایی به نام "پنسین" تهیه شده بود به کشور افغانستان جهت مطالعه داده شد.

سرانجام به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۱۲ پارلمان افغانستان نیز به اعمار پروژه تاپی موافقت کرد که بالاخره در ۱۳ دسمبر ۲۰۱۵ در جریان حکومت محمد اشرف غنی موافقت صورت گرفت و کار آن عملاً از ترکمنستان شروع شد و قرار است که این پروژه تا سال ۲۰۱۹ میلادی به پایه اكمال برسد و ایالات متحده امریکا سرسخت این پروژه را حمایت میکند.

قابل یادآوری است که این پروژه از طریق هرات و قندهار به پاکستان انتقال میابد و شاید که بعضی ساحات ولسوالی های پرچمن و بکوای ولایت فراه را نیز در مسیر خویش طی نماید.

از سال ۱۹۹۰ میلادی بانک انکشافی آسیا روی این مساله کار کرده بود که باید گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و بعداً به هندوستان انتقال داده شود. در حقیقت، آن زمان روسیه و ایران نیز به این پروژه چشم دوخته بودند و به انتقال گاز به پاکستان و هندوستان و همچنین به اعمار این پروژه چندان خوشبین نبودند و نیستند. برای نخستین بار در ۱۵ مارچ ۱۹۹۵ یک تفاهم نامه در بین کشورهای ترکمنستان و پاکستان جهت اعمار این پروژه پایپ کشی به امضا رسید. یک شرکت ارژنتائینی به نام شرکت "بریداس" کار این پروژه را گرفت ولی به تاریخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۹۵ کمپنی یونوکال ایالات متحد امریکا و شرکت دلتای کمپنی نفت عربستان سعودی بدون تداخل شرکت بریداس ارژنتائینی کار این پروژه را گرفتند و این دو شرکت در زمان حکومت صفر مراد نیازوف که رییس جمهور ترکمنستان بود قراردادی را امضا نمودند.

در آگست ۱۹۹۶ به رهبری شرکت یونوکال ایالات متحد یک شرکت تحت عنوان "شرکت پایپ گاز مرکز آسیا" ایجاد شد. در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۷ شرکت پایپ گاز مرکز آسیا در عشق آباد پایتخت ترکمنستان به طور رسمی ثبت گردید و به رسمیت شناخته شد. بخاطر عبور دادن این پایپ ها از افغانستان که در آن وقت رژیم طالبان در افغانستان حاکم بود، لازم و ضروری بود که روی این مساله با حکومت طالبان گفتگو صورت گیرد. در سال ۱۹۹۷ آقای رابرت اوکلی سفیر ایالات متحد امریکا در پاکستان وارد قضیه شد و با طالبان صحبت صورت گرفت و بالاخره طالبان شرکت بریداس ارژنتائینی را انتخاب کرده و در سال ۱۹۹۸ با ایشان موافقت نامه به امضا رسید. اما، در جون ۱۹۹۸ روسیه ۱۰ فیصد سهم خویش را ازین پروژه گرفت.

وقتیکه به تاریخ ۷ آگست ۱۹۹۸ سفارت خانه های ایالات متحد امریکا در شهر نایروبی پایتخت کنیا و شهر دارالاسلام



اشتغال هزاران تن از هموطنان مان را در مناطق غربی و جنوبی کشور فراهم کند. عبور این خط لوله از ولایت‌های هرات، فراه هلمند و قندهار سبب می‌شود که برای بسیاری از خانواده‌های این ولایات، زمینه کار درازمدت فراهم شود.

در کشوری که استخراج معادن و سرمایه‌گذاری بر روی صنایع تولیدی هنوز پا نگرفته و بخش اعظمی از اقتصاد آن را زراعت به روش‌های سنتی تشکیل می‌دهد، اشتغال‌زایی برای قشر روزافزون بیکاران، بزرگ‌ترین موهبت و منفعتی است که نصیب آن می‌شود. میزان اشتغال‌زایی این پروژه هرچند در برابر رقم شهروندان بیکاری که حال به چندین میلیون تن رسیده، عدد ناچیزی است؛ اما به هر حال با شروع کار این پروژه، نرخ امیدواری به آینده در میان ساکنان این سرزمین بالا خواهد رفت و این هم خود دستاورد کلانی خواهد بود.

از سوی دیگر، در عرصه انرژی هم به نظر می‌رسد که منافع قابل ملاحظه‌یی در پروژه تاپی در انتظار افغانستان خواهد بود. افغانستان از طریق این پروژه می‌تواند بخشی از نیازمندی‌های خود به گاز را مرتفع سازد. شکی نیست که با افتتاح این پروژه در قیمت منابع سوختی و به‌خصوص گاز در سراسر کشور کاهش قابل ملاحظه‌یی رونما خواهد شد. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان معتقدند که با اعمار خطوط لوله انتقال گاز در افغانستان، دولت می‌تواند در یک برنامه درازمدت، بر روی طرح استخراج گاز صفحات شمال کشور کار کند و به این ترتیب، با استفاده از هر دو منبع گاز، به خودکفایی در عرصه انرژی گاز دست یابد و یا حتی با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، زمینه صادرات گاز را از طریق همین خط لوله تاپی فراهم کند.

حسب معلومات روزنامه ماندگار و صحبت‌های دوکتور داودشاه صبا وزیر معادن کشور؛ پروژه تاپی بزرگ‌ترین پروژه ترانزیتی انرژی در تاریخ افغانستان است، شکی نیست. این پروژه پس از مذاکرات و رای‌زنی‌های منطقه‌یی بسیار، به نفع افغانستان کلید خورد و قرار شد که کشور ما به عنوان مسیر انتقال خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان و هند تعیین شود. به این ترتیب، از ۱۷۳۰ کیلومتری که قرار است این خطوط لوله در اراضی چهار کشور عضو این پروژه بپیامد، ۷۳۰ کیلومتر آن در داخل خاک افغانستان ساخته می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که افغانستان بیشترین نقش در انتقال بیش از یک میلیارد متر مکعب گاز به هند و پاکستان در ظرف ۳۰ تا ۳۳ سال عمر این پروژه را دارا خواهد بود.

سویدی که سالانه از انتقال این حجم انرژی به افغانستان می‌رسد کاملاً چشم‌گیر است؛ آقای صبا وزیر معادن کشور در نشست مطبوعاتی اخیر خود اعلان کرده که افغانستان جدا از مقدار گازی که از این پروژه به دست می‌آورد، بین ۲۷۰ تا ۳۵۰ میلیون دالر در سال حق ترانزیت دریافت می‌کند. هرچند در آن سوی دیگر مصارفی از جمله هزینه‌های تأمین امنیت این خط لوله که گفته می‌شود نیازمند ۹۰۰۰ الی ۱۱۰۰۰ نیروی امنیتی است، بر شانه‌های دولت افغانستان خواهد بود؛ اما به نظر می‌رسد که در هر حال سود قابل ملاحظه‌یی بابت این ترانزیت به افغانستان می‌رسد.

در کنار حق ترانزیتی که سالانه افغانستان از آن مستفید می‌شود مسایلی مانند اشتغال‌زایی هم برای منافع ملی کشور ما از اهمیت والایی برخوردار است. تطبیق این پروژه می‌تواند زمینه



صدرالدین ربیعی خطیب پوشنج

حزین یار

عطف بر اصل مطلب :

در صفحه (۸۰۴) روضه الصفا آمده است که؛ صدرالدین ربیعی تبع تند و قریحه ی نیک داشت، به ازن ملک فخرالدین سرگذشت پدران و داستان حبس او را در قلعه خیسار و کیفیت بیرون شدنش را از آنجا بوزن شاهنامه در نظم کشید، ربیعی مدت چند سال به نظم احوال ملوک غوراشغال داشت و آنرا به «کرت نامه» موسوم گردانید فخرالدین درباره ی او از هر جهت مراعات نیکی و احسان کرد و هر ماه هزار درهم از خزانه مملکت در وجه او مقرر کرد، اما خطیب عیاش و بوالهوس بود و بیشتر اوقات به شرابخواری میگذرانید و به اعطای شاه قناعت نمیکرد و مشرب او با مشرب ملک نمی ساخت، ازین روملک را به بنگ نوشی متهم میکرد، که این موضوع در تاریخ مغول زیر نویس صفحه (۳۷۷) از زبان ملک فخرالدین به شرب بنگ یا به اصطلاح آن زمان «سبز» شعری آمد به قرار ذیل:

هر گه که من از سبز تر بناک شوم

شایسته سبز خنگ افلاک شوم

باسبز خطان سبز خورم درسبز

زان پیش که همچو سبزه در خاک شوم

ایضاً

میخواره اگر غنی بود عورشود و از عریده اش جهان پراز نورشود

در حلقه ی لعل از آن زمرد ریزم تا دیده افعی غم کور شود

بهر صورت میانه ی ربیعی و ملک فخرالدین در همین راستا چندان خوب نبود و بطوریکه تاریخ روضه الصفا نشان میدهد مداومت همیشه ربیعی شرب و نوش سبب شد تا از مصاحبت ملک بدور ماند و در خفیه از ملک سقاییت و مذمتی داشت، استاد محمد نسیم پروانه در تاریخ دست نویس خود به نقل از صفحه (۱۲۲) تاریخ جلالی می نویسد:

باقی دارد...

یکی از ندیمان فخرالدین محمد کرت صدرالدین خطیب پوشنج بود، قبل از آنکه به معرفی مکمل این خطیب که از جمله شاعران است پرداخته شود، تحمل اندک داریم در قسمت ملک فخرالدین

ملک فخرالدین پسر ملک شمس الدین کرت بود که از جوانی به هنر و کاردانی، شجاعت و پهلوانی موصوف بود و ملک شمس الدین درباره ی او محبت بسیار کرد، پس از چندی پدر او را به جهت جسارتی که از او سرزده بود حبس کرد و او مدت هفت سال در زندان بماند تا آنکه در سال ۶۹۳ هـ ق بند بشکست و جمع از نگهبانان خود را کشته و از قلعه بالا رفت و متحصن گردید.

امیر نوروز شفاعت او را پیش ملک شمس الدین کرد، ملک فخرالدین به عهد و پیمان از قلعه پائین آمد و چون ملک شمس الدین سوگند خورده بود که روی او را نیند، منظور نظر پدر نگشت و به هرات رفت و از آنجا به خدمت امیر نوروز شتافت و امیر نوروز در حق او نوازش و اکرام بی اندازه کرد، ملک فخرالدین در خواب و فراره با متمردان امیر نوروز جنگها کرد و دشمنان او را مالشی بسزا داد و به همین جهت امیر نوروز حکومت هرات را به او داد.

ملک فخرالدین را در غر جستان با یکی از امرای دواخان که «برکه» نام داشت اتفاق ملاقات افتاد، برکه در عالم مستی در مجلس شراب سخنان بیهوده بر زبان راند و گفت که ملک فخرالدین را پیش دوا می برم و او را دوستکام باز میگردانم، فردای آنروز ملک فخرالدین برکه را گرفت و با چند تن از دلوران خود به نیشاپور رفت و در نزدیکی «دزباد» با صد و پنجاه تن از کسان «دوا» برخورد کرد و آنان را شکست داد و برکه را با خود از میدان بدر برد و نزد امیر نوروز رفت.

امیر نوروز او را خلعت داد و به همراهی خود او را نزد غازان برد و برکه را دست بسته تسلیم کرد و از شجاعت و وفاداری ملک فخرالدین یاد کرد و غازان حکومت هرات را با طبل و علم، سر آورده و ده هزار دینار به او داد، ملک فخرالدین متوجه هرات شد.

ملک فخرالدین پادشاهی بود فاضل، سخن سنج، شعر دوست و علاوه آنکه خود شعر میگفت، قریب چهل شاعر ماهر داشت که به مداحی او مشغول بودند و از ایشان همه مشهور تر «صدرالدین خطیب پوشنج متخلص به ربیعی» است که به اشاره ملک فخرالدین تاریخ ملوک غور را به تقلید شاهنامه در کتابی با اسم «کرت نامه» منظوم ساخته بود.

صفحه کودک



محمد حسیب حزین یار

افزایش فشار خون و کوتاهی عمر او کمک می کنید.

علاقه به غذاهای چرب نیز از کودکی آغاز می شود، متخصصین رشد کودکان فکرمی کنند که در بعضی افراد چاق، البته نه همه؛ چاقی از دوران طفولیت و به علت مصرف بیش از حد و غیر لازم کالوری، مواد چربی و قندی - شروع شده است.

ولی تلاش برای چاق کردن اطفال مهربانی نیست، نکته بسیار مهم آنست که وقتی طفل شما سیر است، به او غذا ندهید تا در آینده مشکلات غذایی و بد غذایی برایش پیش نیاید. < راجع به بد غذایی به شماره بعد >

چربی های اشباع شده و کلسترول نقش مهمی در گرفتگی شریانها و صدمات قلبی در سالهای بعدی زندگی بازی میکنند بخصوص در خانواده های که دارای چنین زمینه ی هستند بدین لحاظ چربی ها دونهوع اند؛ یکی اشباع شده که بیشتر در گوشت و فرآورده های شیر موجود است و دیگری چربی های اشباع نشده که بیشتر در مواد غذایی گیاهی است، چربی های اشباع شده، باعث بیماری های قلبی، سگته مغزی و جگر می شوند، چربی های اشباع نشده چنین عوارضی را ندارند و بهمین دلیل رژیم گیاهی و پار رژیم کم چربی بسیار مفید و سودمند است.

دوکتوران دلایل قانع کننده ی در مورد سرطان روده بزرگ در سنین بالادردست دارند، که علت عمده ی این مرض را قبضیت مزمن آنها میدانند، این بیماران در رژیم غذایی خودالیاف (فیبر) بمقدار کم مصرف کرده اند، مانند غلات پوست دار، نان سبزیجات میوه ها و غیره.

بنابراین نتیجه تشویق کودکان بخوردن این مواد طبیعی و مفید در سالهای بعد آشکار می شود مواد غذایی را که باید در رژیم غذایی کودکان در نظر گرفت، همان مواد غذایی است که در تمام مراحل زندگی دارای اهمیت هستند، بطور کلی اقلام رژیم غذایی باید شامل انواع سبزیجات، میوه ها، غلات و حبوبات باشند، که حامل مواد غذایی خوب و مفیدی هستند و اگر طفل بخوردن آن عادت کند، امتیاز بزرگی را با خود به دوره بزرگسالی می برد.

ادامه دارد.....

شروع غذاهای جامد کودک سرآغازی است برای کسب استقلال و در جریان این تحول، برای والدین فرصت طلایی است تا طفل را به غذاهای عادت دهد که به سلامت مفید، رشد و نمو او را بخوبی سرعت بخشد و تا پایان زندگی سلامتی او را تضمین نماید.

بچه ها عادات و الگوی های غذایی نخستین را فرا گرفته و می پذیرند، اگر غذا های مفید و سالم به آنها داده شود، از آن به آسانی پیروی میکنند، لذا این موضوع خیلی مهم و اساسی است، کارشناسان امور تغذیه از بد شدن روز افزون رژیم غذایی کودکان و بزرگسالان امریکایی احساس خطر می کنند، زیرا امریکایی ها هر روز بیش از پیش مواد قندی (مواد قندی پردازش شده)، گوشت، مواد غذایی سرخ کرده و نمک مصرف می کنند. (Processed food)

در نتیجه امروزه بیماری چاقی، حتی در بچه ها فراوان شده است با گذشت زمان، این عادت های غلط غذایی باعث بیماری های گوناگون از جمله بیماری های قلبی، افزایش فشار خون، چربی جگر و دیابت (مرض قند) می شود، خوردن غذاهای مزخرف و ناسازگار که حامل مواد چربی و قندی زیاد هستند و گرسنگی کودکان و بزرگسالان را تسکین میدهند، ولی باعث می شود از خوردن غذاهای مفید لازم مانند؛ سبزیجات، میوه ها، غلات پوست دار، لوبیا، نخود، ماش، عدس و.... محروم بمانند و در نتیجه ویتامین و مواد معدنی پروتین و الیاف (فیبر) به آنها نرسد. یا از مواد متذکره خوششان نیاید.

ذایقه و سلیقه

همیشه هم برای انسان ذایقه و سلیقه ی غذا و غذا خوردن بوده و هست، به همین دلیل، کودکان را به عادات مناسب غذایی باید آشنا نمود، برای مثال، مقدار نمک طعام را که انسان مصرف می کند، که ارتباط مستقیم با فشار خون او دارد، در سالهای کودکی فرا گرفته و به عنوان عادت برای او ماندگار می شود (البته عوامل دیگری نیز در افزایش فشار خون، مانند، نژاد وراثت دخالت دارد) بنابراین وقتی شما به غذای کودک خود نمک می زنید، شما دوست دارید نیز غذای نمکی میل نمایند، در صورتی که کودک آنرا نخواسته است، به این معنا است که شما به



خصوصیات مدیران

صادق و خدمت گذار



می‌کنم: تقوای الهی، صداقت در گفتار، وفای به عهد، ادای امانت، ترک خیانت، نرمی گفتار، پیشی گرفتن در سلام، حفظ حقوق همسایه مرحمت به یتیمان، خوب انجام دادن کار، کوتاه کردن آرزو، توجه وعلاقه به آخرت، ترس از حساب، ملازمت بر ایمان، تفقه و تدبیر در قرآن، فروخوردن خشم، ملایمت و رحمت به مردم، توجه بیشتر به نماز که پس از اقرار به دین، نماز سر اسلام محبت بهترین عامل برای اصلاح و اداره ورهبری و هدایت مردم است است»

چقدر جالب است یک مدیر که در نظام اسلامی آراسته به هدایات فوق رهبر بزرگ بشریت باشد، هرگاه هر مدیر خود را بصفتان گفته شده متصف بسازد یقیناً می‌تواند در جامعه مصدر خدمات ارزنده ی گردد یکی از صفات نیک یک مدیر داشتن محبت به مردم و زبردستانش می‌باشد، هرگاه مدیر با محبت و علاقمندی در کارهایش دیگران را ترغیب نماید، واضح است که پلانیهایش بموفقیت می‌انجامد مرتضی مطهری یکی از دانشمندان سرآمد روزگاری گوید: «محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و مردم، علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افراد منضبط و قانونی تربیت کند ولو این که عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و این علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشاند»

حوصله مندی، تحمل پذیری و کنترل نفس در مدیریت نمودی دیگر بست که مدیران را به افق‌های بلند معارج زندگی می‌رساند کسی می‌تواند حافظ حقوق مردم شود که حافظ نفس خود باشد و کسی می‌تواند حافظ دین و حدود الهی در جامعه باشد که با هوای نفس خود مخالفت کند و دین خود را حفظ کند. کسی که خلق را با نظر خلق می‌بیند سعه وجودی پیدا می‌کند و همین سبب عزت نفس و بزرگواری وسعه صدر می‌شود و از خود بینی و خودخواهی و تنگ نظری آزاد می‌شود و روح تملق دوستی و تکلف پسندی و نفع طلبی و بدبینی در او از بین می‌رود. خداخواهی به او سعه وجودی داده و موجب می‌شود که در مشکلات و سختی سکون و آرامش خود را از دست ندهد در مقابل نعمت‌ها و راحتی‌ها شکر گزار باشد.

مدیران موفق صبور، شکیب و با حوصله بوده، انتقاد پذیر، دراک، با استقامت، عادل و بردباراند، عدالت برای تأمین آرامش و اطمینان دل‌هاست و اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد افراد آن احساس امنیت و آسایش نخواهد کرد و در نتیجه دچار وحشت می‌شوند و دل‌های وحشت زده هرگز به نظام وحشت زا گرایش نمی‌یابند.

ادامه دارد.....

در این شماره خواستیم روی خصوصیات یک مدیر صادق و خدمت‌گزار بحث کوتاهی داشته باشیم و ببینیم در نظام اسلامی مدیریت چگونه تبلور یافته؟ ما مسلمانان از خود در قسمت مدیریت راهنمایی داشته ایم و یا همه چیز را مثال هنجارهای کنونی کاپی نموده و بروفق آن عمل میکنیم، همانطوریکه در علم مدیریت آمده یک مدیر خوب دارای صفات نیک و پسندیده ی بوده که عبارت است از: متعهد بودن بوظیفه مدیریت، دارای تخصص و یا تجربه کامل بر مدیریت، یک مدیر خوب دارای سلوک و رفتار انسانی بوده و توانمندی به رهبری را باید داشته باشد.

یکی از ویژگی‌های یک مدیر خوب تأمین ارتباطات با زیرمجموعه‌ها شخصیت‌های هم‌طراز و سایر مردم است، او می‌تواند در مصارف صرفه جو، هزینه ساز، با مهارت، دقیق و پویا باشد، بسا مدیرانی هستند که تمام منابع مالی و انسانی در دسترس شان قرار دارد، اما از ابتکار خوبی برخوردار نبوده، این منابع به جهت کار برده می‌شود که سبب رکود سازمان گشته و نتواند استفاده ی درست از آن بنماید، هر مدیر باید آینده را در نظر داشته باشد، هر قدمی را که بر میدارد، فکر کند از کجا آمده، بکجا میرود و چه را می‌خواهد انجام دهد.

مدیران باید مدیر، کارآگاه، با سلیقه، حوصله مند بوده از شکست نهراسد زیرا در هر عملی که یک مدیر انجام میدهد، علاوه بر موفقیت ریسک یا پسمانی هم باید در آن پیش بینی گردد، آگاهی یک مدیر در انکشاف پلانیهایش مضمراست و یک مدیر با تدبیر می‌تواند طوری پلان خود را طرح نماید که علاوه بر رسیدن به هدف شکست و یا ریسکها را که از چالشهای زمان بروز می‌نماید در نظر داشته باشد، مدیر خوب و صادق همیشه با اقتدار در وظایفش عمل می‌نماید، اودر حقیقت یک آموزگار خوب برای زیرمجموعه‌هایش باید باشد، از نظر سلیقوی منظم و یک نظارت کننده خوب باشد، بدین معنا که هم ناظر بر امور، هم راهنما و هم یک مربی به دیگران بوده انتقاد پذیر و مصلح باشد.

در اسلام شرط اولی مدیریت همانا داشتن اعتقاد به امانت داری و اجرای امور بصورت عادلانه در نظر گرفته شده است چنانچه قرآن کریم در این مورد اشاره ی زیبایی دارد: در سوره مبارکه «نساء» آیه ۵۸ خداوند می‌فرماید: «خداوند فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان‌شان برگردانید و وقتی که میان مردم حکم می‌کنید، به عدالت حکم کنید».

ملاحظه می‌شود طبق این آیه کریمه، حاکم و سرپرست و مدیر جامعه «امین» و «نگهبان» جامعه است و حکومت عادلانه هم نوعی امانت است که به وی سپرده شده و باید آن را ادا کند.

روایت است؛ پیامبر (ص) زمانی که «معاذبن جیل» را به عنوان فرماندار به یمن فرستاد در دستور العملی به او فرمود «و تو را بدین امور سفارش



SHANSABANEYA



Email: hazinyar.gjcf@gmail.com

Mobile: 0799237579